

جایگاه فعالیت های فوق برنامه در ارتقای اهداف دوره ابتدایی در آموزش و پرورش

جواد شیرکرمی^۱، حسین عزیزی نژاد^۲، مریم برفی^۳

^۱ دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

^۲ مدرس دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش (نویسنده مسئول)

^۳ کاردانی آموزش دینی و عربی

چکیده

با توجه به تسریع روند پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی و تغییر روزافزون سبک زندگی انسانها، امروزه لزوم انعطاف پذیری و تغییر در شیوه های قدیمی و نامناسب در آموزش و پرورش و بروزرسانی این روشها، با در نظر داشتن قواعد و مقررات اساسی، بر همگان آشکار شده است. امروزه نظام های آموزشی تلاش می کنند تا از رویکرد مدرس محوری به فراگیر محوری و از رویکرد محتوامحوری به ساختن گرایی تغییر یابند. فعالیت های فوق برنامه به مجموعه فعالیت هایی که با هدف کمک به تحقق رشد و تعالی، شکوفایی استعدادها و مشارکت در برنامه های عملی کمک کند، گفته می شود، که این برنامه ها نیازهای فردی دانش آموزان و ویژگی های محلی و منطقه ای را مورد توجه قرار می دهد و در نهایت بر کیفیت و غنای برنامه ی درسی می افزاید. بنابراین از میان مهمترین ابعاد مناسب برای بررسی در حوزه فعالیت های فوق برنامه می توان به مواردی نظیر مهارت های زندگی، مشارکت و مسئولیت پذیری دانش آموزان، اهمیت فعالیت و بازی، لزوم پژوهش محوری، نگارش و قدرت بیان، توان تحلیل و پرورش استعداد فردی اشاره کرد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه جایگاه فعالیتهای فوق برنامه در ارتقای آموزش و پرورش دوره ابتدایی انجام شد. از جمله سؤالاتی که در اینجا قابل طرح و بررسی است، عبارتند از: بررسی مسائل آمادگی، برنامه ریزی تحصیلی، توجه به تفاوت های فردی و نیازهای ویژه، لحاظ کردن مواد آموزشی مناسب، و در نهایت اینکه چه فعالیت ها و برنامه هایی باید مد نظر برنامه ریزان قرار گیرد؟

واژه های کلیدی: مهارت های زندگی، فعالیت و بازی، پژوهش محوری، پرورش استعدادها، مشارکت اجتماعی

۱. مقدمه

فعالیت‌های جذاب و شادی هستند که فرصت برای تعامل اجتماعی در یک فضای آرام و راحت فراهم می‌آورند. این فعالیت‌ها نگرش دانش‌آموزان را نسبت به مدرسه بهبود می‌بخشند. فعالیت فوق‌برنامه: به مجموعه فعالیت‌هایی که خارج از چارچوب رسمی آموزش کلاس انجام می‌شود، فوق‌برنامه اطلاق می‌شود. فعالیت‌های فوق‌برنامه: به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شخص پس از ارزیابی از تعهدات و تکالیف - شغلی - خانوادگی - و اجتماعی و با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت و تفریح - توسعه دانش و یا به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و یا بالاخره مشارکت آزادانه در اجتماع است. به مجموعه فعالیت‌هایی است: که شخص پس از فراغت انسان را از کارهای روزمره و قالب‌های زائیده خودکاری و یا تخصصی شدن امور روزانه می‌رهاند. استعدادهای بدنی و ذهنی فرد و نظایر آن را پرورش می‌دهد - که در شکل‌گیری شخصیت وی بی‌تردید مؤثر خواهد بود. هدف اساسی فعالیت فوق‌برنامه این نیست که تنها از سختی آموزش بکاهد و فرصتی برای استراحت دانش‌آموزان فراهم آورند بلکه اهمیت و ارزش این فعالیت‌ها در توسعه تجربیات تربیتی دانش‌آموزان است. به هر حال فعالیت‌های فوق‌برنامه جزئی از برنامه منظم مدرسه است و باید آن را بخشی از فرایند مدرسه تلقی کرد. فعالیت‌های فوق‌برنامه برای غنی کردن تجربیات تربیتی دانش‌آموزان وارد فعالیت مدارس شد و اهمیت روزافزونی یافت.

فرآیند یاددهی و یادگیری، فرآیند دو جانبه‌ای است که در آن یاددهی با ابتکار و خلاقیت معلم و یادگیری بر اساس مفاهیم و اهداف درس است به نحوی که هر دو طرف فرآیند، معلم و متعلم در این فعالیت مشارکت داشته باشند. به فعالیت‌هایی که بر اساس نوآوری و ابتکار معلمین در کنار تدریس و بر اساس آموزش مفاهیم و اهداف درس به کار گرفته شوند و در داخل یا خارج کلاس انجام شود، فعالیت مکمل گفته می‌شود (پورشیک، ۱۳۹۳). از اهداف و پیامدهای توجه به چنین فعالیت‌هایی، می‌توان به موارد توسعه‌ی دیدگاه مدرسه محوری، تعمیق فرایند یاددهی - یادگیری در زندگی دانش‌آموزان، غنی‌سازی برنامه‌ی درسی و اوقات فراغت دانش‌آموزان، گسترش یادگیری از مدرسه به خانواده و جامعه، تسهیل فرایند رشد اجتماعی دانش‌آموز، رسیدن فراگیران به مهارت طراحی و حل مسئله، تشویق فراگیر به خودیادگیری، ایجاد و ارتقای مهارت تصمیم‌گیری، ارتقای مهارت تفکر انتقادی و خلاقیت، تحقق توانایی‌های بالقوه و انطباق با تغییرات زندگی، تقویت اعتماد به نفس، عزت نفس و هویت، اشاره کرد (همان منبع). پژوهش حاضر با هدف مطالعه جایگاه فعالیت‌های فوق‌برنامه در ارتقای آموزش و پرورش دوره ابتدایی انجام شد. از جمله سؤالاتی که در اینجا قابل طرح و بررسی است، عبارتند از:

- آیا دانش‌آموزان در برخورد با مسایل، آمادگی لازم و کافی را دارند؟
- برنامه ریزی تحصیلی و تفکیک پایه‌ها و سطوح تحت تاثیر چه نکاتی است؟
- آیا تفاوت‌های فردی و استعدادها و نیازهای ویژه به عنوان عاملی مهم در نظر گرفته می‌شود؟
- در جهت ارتقای بازدهی آموزش و پرورش چه مواد آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد؟
- چه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی باید مد نظر برنامه ریزان قرار گیرد؟

۲. مهارت‌های زندگی

تعامل اقتصادی، مفاهیم و عناصر آن ظرف مناسبی برای تربیت دینی و تمرین مقتضیات آن است. مثلاً فهم «داد و ستد» و تمرین عملی متناسب سن فرزند، بستر مناسبی است تا مربیان بتوانند از آن برای تربیت دانش‌آموزان در مسائلی مثل رعایت حقوق دیگران، صداقت، پرهیز از نیرنگ و دروغ، اجتناب از حرص و طمع، تفکر و حسابگری، شناخت سود و زیان، اندازه نگاه داشتن، رعایت حریمها، عدالت، انصاف، وفای به عهد، خدمت، هشیاری در روابط اجتماعی و... بهره‌گیری کنند. در گذشته که خانواده زودتر شکل می‌گرفت، شاهد تربیت اقتصادی سنتی بودیم تا فرزندان به محض توانایی برای ازدواج و تشکیل خانواده از توان لازم برای تامین معیشت خود برخوردار باشند. پدرانی که شغل آزاد داشتند یا در بازار بودند، فرزندان خود را در اوقات فراغت‌شان به کار می‌گرفتند و بر اساس کار، به آنان حق الزحمه می‌پرداختند. در روستاها مسئله از این جدی‌تر بود و اکنون نیز در مناطقی از کشور که مهاجرت به شهرها صورت

نگرفته، همچنان مشاهده می‌شود که فرزندان در اقتصاد خانواده مشارکت دارند و با حضور در مزارع و شالیزارها و گندمزارها یا در امر پرورش دام و صنایع دستی، در تولید درآمد، نقش جدی ایفا می‌کنند.^۱

دیوید سلبی (۲۰۰۰) معتقد است که هدف از آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روحی-اجتماعی است، آن مهارتهایی که می‌تواند افراد را در اداره‌ی موثر نیازها، سختی‌ها و فشارهای زندگی توانا سازد (ادیب، ۱۳۸۲ ص ۱۳). توسعه مهارت‌های زندگی به مهارتهایی گفته می‌شود که به ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامتی در سطح جامعه منجر می‌گردند و فرد را قادر می‌سازند تا به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبه‌رو شود. یادگیری این مهارت‌ها برای همه افراد جامعه ضروری است، اما در سنین نوجوانی و جوانی اهمیت ویژه‌ای دارد. هم‌زمان با رشد جسمانی و روانی، انتظار جامعه و خانواده نیز از فرد نوجوان و جوان افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که آنها می‌پذیرند به سبب زندگی اجتماعی، بخشی از تمایلات خود را محدود کنند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند.^۲

۳. مشارکت دانش آموزان

شوراهای دانش آموزی در راستای تقویت مشارکت جمعی و آماده‌سازی برای کار گروهی تمامی دانش آموزان را در انتخابات خود به پای صندوقهای رای می‌کشاند. با این وجود بررسی خروجی عملکرد این شوراهای نشان می‌دهد با وجود عمر بیش از یک دهه از آغاز به کار این تشکل صنفی، علمی و سیاسی شوراهای دانش آموزی کمترین تاثیر را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور دانش آموزان به خصوص در حوزه آموزشی و پرورشی داشته‌اند. بی‌توجهی به قابلیت و توانمندی شوراهای دانش آموزی در مهارت آموزی، تربیت نسل آینده، تمرین کار گروهی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری و نقش‌پذیری در اجتماع موجب شده مدارس کمترین بهره آموزشی را از شوراهای دانش آموزی خود ببرند و به مانند برگزاری برنامه در مناسبتهای مختلف به صورت سالانه شور انتخابات شورای دانش آموزی را در روز برگزاری آن خلاصه کنند.^۳

نقش شوراهای دانش آموزی جدی تلقی نمی‌شود. مدارس به جای دادن نقش جدی در مرحله اجرایی و عملیاتی شوراهای دانش آموزی را در حد اسم محدود کرده‌اند بطوریکه عملکرد این شوراهای به پر کردن آلبوم عکس و طومار عملکرد برای معاونتهای پرورشی تبدیل شده است. بهره‌وری از شیوه‌نامه‌های پرورشی و آموزشی و مراقبت بر همسویی فعالیت‌های شورای دانش آموزی و کمیته‌های آن با مفاد آیین‌نامه اجرایی مدارس، بررسی پیرامون چگونگی مشارکت دانش آموزان در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و اجرایی مدرسه و ارائه پیشنهاد به مدیر مدرسه، همکاری در برنامه‌ریزی و اجرای مناسبت‌های مذهبی و انقلابی در مدرسه، اداره نشریه‌های دانش آموزی و همکاری در اداره امور کتابخانه مدرسه از جمله وظایفی است که برای شوراهای دانش آموزی در نظر گرفته شده است. همچنین شوراهای می‌توانند در ارتقاء مهارت فرهنگی، هنری، علمی و ورزشی دانش آموزان و برگزاری مسابقات مربوطه، برگزاری نماز جماعت و اداره نمازخانه مدرسه، تشکیل و اداره تعاونی آموزشی، شرکت موردی در جلسات شورای مدرسه و انجمن اولیا و مربیان، دعوت از دانش آموزان برای همکاری با شورا در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی و آموزشی و تقویت هویت دینی و انقلابی و ملی دانش آموزان با معاون پرورشی و تربیت بدنی مدارس خود همکاری کنند (همان منبع).

در اینجا این بحث پیش می‌آید که آیا قبول مسئولیت فطری کودکان بوده و در همه کودکان وجود دارد یا اینکه فقط در عده خاصی این روحیه به چشم می‌خورد. بدون تردید این استعداد در همه افراد کم و بیش وجود دارد. اگر محیط تربیتی مناسب و مساعد باشد این استعداد پرورش یافته کامل خواهد شد و اگر در محیط خانه و مدرسه زمینه پرورش آن وجود نداشته باشد این استعداد به تدریج

¹- <http://www.taamolnews.ir/fa/news/84761>

²- <http://mehrkhane.com/fa/news/13363>

³- <http://www.mehrnews.com/news/1731919>

به خاموشی خواهد گرایید. یعنی اگر کودکی هم این زمینه را دارا باشد به تدریج از بین خواهد رفت. بنابراین استعداد پذیرش مسئولیت در همه کودکان کم و بیش وجود دارد و این محیط تربیتی است که باید آن را پرورش دهد (آتش دامن، ۱۳۸۸). به طور کلی مسئولیت پذیری یعنی توانایی پذیرش و به عهده گرفتن کاری که از کسی خواسته شده است، البته مسئولیت با وظیفه تفاوت دارد، وظیفه کاری است که یک نفر به دیگری محول می کند و باید حتما انجام بگیرد. اما وقتی از کسی خواسته می شود مسئولیتی را بپذیرد، باید برای او کاملاً مشخص شود موضوع درخواست چه می باشد (سلیمانیان، ۱۳۹۵).

به کودکان در خانه و مدرسه در خور توانشان مسئولیت بدهید، تا احساس غرور و شخصیت کنند و به خاطر آن به رعایت ضوابط و مقرراتی تن در دهند. انجام دادن مسئولیت هم خود تا حدود زیادی سرگرم کننده و هم سازنده شخصیت انسانی کودک است و موجبات آرامش او را فراهم خواهد آورد. در دادن مسئولیت به کودکان باید اعتدال را در نظر داشته باشید و به تدریج و همزمان با رشد و بلوغ در کودک به او مسئولیت‌های سنگین‌تری به ویژه در زمینه انجام کارهای مدرسه محول کنید. وقتی که به کودک مسئولیت زیاد بدهیم نگرانی او گسترش می‌یابد ممکن است دچار ترس از شکست یا ناکامی شود. اگر مسئولیت درخواست شده از کودک بسیار اندک باشد کودک خواه ناخواه، تابع و وابسته بار می‌آید (آتش دامن، ۱۳۸۸).

۴. اهمیت فعالیت و بازی

دنیای امروز تشنه علم و معرفت است. تلاش‌هایی که خانواده‌ها برای فرستادن فرزندان خود برای ادامه ی تحصیل، می نمایند، ناشی از اهمیت علم آموزی است. اختصاص بودجه‌های هنگفت به این مسئله و استقبال زیاد مردم از آن، نشان از آینده بینی است. برنامه ریزی در زمینه تحصیل تحت تأثیر چه نکاتی است؟ به زبان ساده، چرا دولت‌ها به این نکته با حساسیت خاصی می نگرند؟ دوره‌های تحصیلی باید چند سال باشند؟ آیا تفاوت‌های فردی به عنوان عاملی می تواند مداخله گر باشد؟ (دیناروند، ۱۳۹۱).

تجربه ی سال‌ها تحقیقات روان شناسی و اجتماعی این حقیقت را آشکار ساخته است که آموزش‌های اولیه در زندگی کودک، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می دهد از این رو نوع و محتوای مواد آموزشی باید به دقت تعیین و به کمک مربیان مجرب و بر اساس اصول صحیح به کودکان آموزش داده شود تا نتیجه ی مطلوب حاصل و ذهن خلاق کودک شکوفا شود. پژوهش‌های روانشناسی و تعلیم و تربیتی نشان می‌دهد که افزودن تفریح به فرایند یادگیری نه تنها آموزش و یادگیری را لذت بخش تر و آسان تر می کند، بلکه اثر بخشی آن را به طرز چشمگیری افزایش می دهد. یکی از نیازهای اولیه ی کودک که بخشی از طبیعت و فطرت او نیز به شمار می رود بازی است. کودک، به وسیله ی بازی علاوه بر کسب انرژی، قدرت تفکر و تخیل خود را پرورش داده و به تجربیات و آموخته‌های ذهنی خود می افزاید. فعالیت‌های دسته‌جمعی در بازی‌ها به کودکان کمک می‌کند تا به بیان احساسات و مکنونات قلبی که از روح لطیف و بی‌آلایش آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، بپردازند. هیجانات، کمبودها و ترس‌های خود را از دل بیرون بریزند و به فراموشی بسپارند. بازی، عمده‌ترین شکل فعالیت کودک و مناسب‌ترین روش برای افزایش قوه ی تخیل، اعتماد به نفس و رشد خلاقیت او به شمار می‌رود، همچنین در کودک تحول ایجاد کرده و به دلیل ایجاد فضایی امن و آزاد برای تکرار اشتباه و تلاش برای اصلاح آن، شیوه ای جذاب برای یادگیری است.

با مشخص شدن زمان یک فعالیت، می توان مواد خوراکی آن را نیز تعیین کرد. آموزش در مدت یکسال دارای محتوای کمتری نسبت به آموزش در مدت هفت سال خواهد بود. اینکه در این دوره چه موادی گنجانده شود؟ و از نظر تحلیلی چه فعالیت‌هایی باید انجام شود؟ سئوالاتی است که پاسخ به آن‌ها منجر به تعیین محتوای فعالیت خواهد شد. برنامه ریزان چه چیزی را برای یادگیری در نظر می گیرند؟ این میزان در هر پایه چه اندازه ای است؟ دوره ی ابتدای از نظر کلاسیک و نظم آموزشی، شروعی معنا دار است. در این دوره ضمن توجه به ویژگی‌های کودکان و فراگیران، می‌بایست تعیین گردد که چه دروسی و به چه میزانی، منتقل گردند. از این نظر که فراگیر در حال رشد در زمینه های مختلفی است، محتوی باید با توجه به نیازهای رشد، تعیین گردد. کودک در خانواده تکلم را فراگرفته، اما این آموختن، جهت دار نیست. افزایش ذخیره ی لغت، جمله سازی، شناخت ساختار زبان و متن سازی از جمله اهداف اولیه ی این دوره است. خواندن و نوشتن به دنبال آموزش زبان رسمی، به وجود می آیند. رشد اجتماعی در قالب روابط، رشد جسمانی

در قالب عمل، رشد اخلاقی در قالب الگو، رشد عاطفی در قالب عشق، رشد روانی در قالب عکس العمل و رشد ذهنی در قالب شناخت به وجود می آیند (دیناروند، ۱۳۹۱).

۵. لزوم پژوهش محوری

در دنیایی که اطلاعات به سرعت در حال تغییر است و واقعیت‌های پیچیده اقتصادی-اجتماعی، محیطی و اخلاقی به سرعت راه خودشان را به زندگی فردی و اجتماعی افراد باز کرده‌اند، ضروری است بچه‌هایی متفکر، منتقد، پژوهشگر و محقق تربیت کنیم زیرا این کودکان، هر روز در زندگی با واقعیتها و مشکلات روبرو شده و مسایل را، خود حل کنند. ولی آیا دانش‌آموزان ما مهارت‌های لازم برای تحقیق و پژوهش را در مدرسه آموخته‌اند؟ امروز از نظر هوش و ذکاوت و دقت نظر در پژوهش، کودک و نوجوان ایرانی با دیگر همسالان خود در کشورهای پیشرفته، یکسان است. آنچه آنان را از یکدیگر متمایز ساخته و به ما برجسته جهان سوم می‌زند، نبودن برنامه‌ریزی صحیح آموزشی و کمبود امکانات پژوهشی است. بدین منظور ما باید موانع پژوهش در مدرسه را از سر راه دانش‌آموزان برداشته و در آنها، انگیزه ایجاد کرده و آنها را درگیر پژوهش کنیم. در دنیای پیچیده امروز، تغییرات زیادی در زندگی بشری در حال وقوع است و شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع در دستیابی به فناوری برتر هستیم. به نظر می‌رسد، فرد و جامعه مجبورند به طریقی در وضعیت خویش دگرگونی ایجاد کنند تا از قافله علم، فناوری و پیشرفت عقب نمانند (باقرزاده، ۱۳۹۴).

موضوع آموزش و پرورش نیز از این قاعده مستثنا نیست چرا که دانش‌آموز قرن بیست و یکم نمی‌تواند عنصری بی‌اختیار باشد که حتی چگونه یاد گرفتن هم از اختیار او خارج باشد و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آنچه می‌آموزد، نداشته باشد. برنامه‌های از پیش تعیین شده و بی‌چون و چرا، جوابگوی مسایل او نیستند (کدیور، ۱۳۸۱). در عصری که کتابهای درسی قبل از در آمدن از زیر چاپ، کهنه می‌شوند و بیش‌تر مشاغل، نوآوری‌های سریع و مداوم را تجربه می‌کنند، ناگزیر باید هدف‌های غایی و کلی تعلیم و تربیت تغییر یابند و به پرورش شیوه تفکر انتقادی در افراد، به عنوان یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت، بیش‌تر توجه شود. همچنین، در فرآیند آموزش باید ضمن تقویت روحیه انتقادپذیری در معلمان، روحیه انتقاد کردن و زمینه‌ی بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد (مایرز، ۱۳۸۳؛ به نقل از باقرزاده، ۱۳۹۴).

قریب به یک سوم جمعیت کشور ایران را دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و کارکنان آموزش و پرورش تشکیل می‌دهند. قابلیت چنین جمعیتی که به عنوان نیروی انسانی فعال می‌تواند در جهت رشد و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تاثیر گذار باشد بر هیچ کس پوشیده نیست. ولی تحقق این هدف در شرایط فعلی منوط به نهادینه شدن فرهنگ پژوهشی در بین جوانان و دانشجویان آینده ساز جامعه و به کارگیری دانش‌های پژوهش محور و فناوریهای نوین توسط آنهاست. پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی مراکز مکمل آموزشی هستند که در کنار فعالیت‌های آموزشی آموزش و پرورش از سال ۸۸ آغاز به کار کرده اند و خوشبختانه دستاوردهای بسیار خوبی را در این امر کسب کرده اند، در این پژوهش‌سراها دانش‌آموزان علاقه مند توانسته اند بیش از ۵۰ مورد ثبت اختراع، مقاله و کنفرانس‌های علمی داشته باشند (شیرکرمی و همکاران، ۱۳۹۵). اما مدارس پژوهش محور چه مدارسی هستند؟ در مدارس پژوهش محور در واقع به مدرسه به عنوان موجودی زنده و سازمانی هوشیار و دائماً در حال یادگیری و رشد نگریسته می‌شود. در مدارس پژوهش محور هیچ عنصری بی‌نیاز از یادگیری و پژوهش تلقی نمی‌شود. عناصر معلم، دانش‌آموز، مدیر، مشاور و سایر کارکنان پژوهش و یادگیری را وظیفه خود می‌دانند و در این زمینه به طور جدی احساس نیاز می‌کنند. مدارس پژوهش محور محل اتصال و تلاقی انواع گوناگونی از پژوهش‌آموزشی برای پیشبرد اندیشه و یادگیری برای همه است. این موضوع باعث می‌شود که مدرسه تبدیل به یک "کارخانه فکر" شود. در چنین فضایی اصل "می‌توانیم" مورد تشویق قرار می‌گیرد و همواره جریان خروشان از پژوهش، نوآوری‌ها و فرایندهای جدید برای توسعه یادگیری، به چشم می‌خورد (همان منبع).

در بسیاری از مواقع، تشویق به همکاری و تبادل فکری در کودکان و به کارگیری روش بارش مغزی، به ابداع و خلق راه حل مسأله نایل در ایشان منجر می‌شود. «رابرت گانی» در طبقه‌بندی خود از انواع یادگیری، بالاترین سطح یادگیری را «حل مسأله» می‌داند و معتقد است، آفرینندگی، نوعی ویژه از حل مسأله است و... چنانچه امر حساس زمینه‌سازی رشد و هدایت تفکر خلاق و روحیه‌ی پژوهشگری، از سالهای اولیه‌ی کودکی، فراهم نگردد، به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود زیرا «تخیل خلاق در دوران کودکی به سرعت رشد می‌یابد و در نوجوانی به اوج خود می‌رسد» (سیف، ۱۳۵۵).

اغلب کودکان، بدون اینکه ظاهراً^۱ شخص خاصی به آنان آموزش داده باشد، حرف زدن را یاد می گیرند. علت این است که بسیاری از واکنش های ما، درمورد کودکان به قدری طبیعی است که متوجه ارزش این واکنش ها نمی شویم. احتمالاً^۲ شما زمینه حرف زدن را از همان زمان نوزادی برای او آماده کرده اید. با صدای ملایم با او حرف زده اید، نق زدن ها و گریه کردن هایش را جواب داده اید و هنگامی که کودک به شما می نگرسته است، با صدای آرام و رسا درباره کاری که انجام داده اید صحبت کرده اید. در تمام این موارد، شما حس یادگیری و تکلم را در کودک تحریک کرده اید. به جای جملات پیچیده، جمله های ساده به کار ببرید. گرچه بیشتر کودکان یکساله، هنگامی که بزرگسالان و یا سایر بچه ها حرف می زنند، با لذت گوش می دهند، اگر موضوع صحبتها پیچیده و مشکل باشد، تقلید و تکرار آنچه شنیده اند، می تواند برای آنها مشکل باشد. کودکی که با هجوم کلمات بسیاری محاصره شده است، نسبت به کودکی که والدینش در حد دانسته های او صحبت می کنند، ممکن است برای یادگیری صحبت کردن به زمان طولانی تری نیاز داشته باشد (قاضی، ۱۳۹۳).

برای فعال کردن کلاس درس انشاء اولین قدم ایجاد انگیزه نوشتن در دانش آموزان می باشد. برای پرورش استعداد های عام و برای آموزش نوشتن یا آموزش انشاء باید شیوه هایی در پیش گرفت که مناسب و در خور مخاطبان باشد. یکی از آن شیوه ها این است که بتوانیم در دانش آموزان خود «انگیزه نوشتن» ایجاد کنیم و این نخستین و مهمترین گام است. اگر معلمان جامعه به تفکر خلاق و منطقی و انتقاد گر معتقد و متعصب بوده و در پی اعمال این تفکر باشند، بالطبع باعث انتقال به افراد تحت آموزش خود شده، آنان نیز به صورت نسبی به این گونه اندیشیدن مسلح می شوند. امروزه تحقیقات انجام شده نشان می دهد که خلاقیت و نوآوری امری ارثی و ذاتی نبوده و قابل تحصیل و کسبی است. لذا با برنامه ریزی دقیق و آموزش صحیح می توان به آن دست یافت. دادن میدان بیشتر برای نوشتن و ابراز ایده ها از طریق تشویق و همیاری و استفاده از مطالعه و کتابخوانی در ساعات مربوطه و فریضه داشتن آن به صورت قلبی و یقین به این امر کمک می کند. موانعی که سر راه بهبود و شکوفایی تفکر خلاق هستند از جمله امکانات آموزشی و کمک آموزشی، محیطی (خانوادگی و آموزشی) و... باید برطرف شوند. در درس انشا می توان از منطق، قیاس و تمثیل بهره برد، تا فرد با ابزار مورد دسترس به ابداع و خلق اندیشه ها دست یافته و در جهت تکمیل و استمرار آن بکوشد. روش تدریس فعال روشی است که این روش برای تحقق اهداف آموزشی فراگیران محور فعالیت می باشند و معلم نقش ناظر و راهنما را ایفا می کند و هماهنگی لازم را به عمل می آورد که شاگردان به صورت انفرادی یا گروهی به فعالیت بپردازند (ربانی، ۱۳۸۹).

کودکان داستان ها را می خوانند، درباره تجارب شخصی مردم حرف می زنند، تشویق می شوند تا داستان بنویسند و داستان را به نمایش در آورند. به نمایش در آوردن داستان بدلائل نظری و عملی نقش مهمی در آموزش دارد. دلیلی که داستان را بسیار مهم کرده این است که نقش مهمی را در مهارت های اساسی موفقیت تحصیلی در مدرسه نظیر خواندن و نوشتن بازی می کند زیرا درک کودکان از تقاضاها و درخواست های شفاهی معلم ها موجب می شود تا کودکان بتوانند به موفقیت تحصیلی دست یابند. همه کودکان با مهارت های سخن گفتن وارد مدرسه می شوند که متناسب با محیطی است که در آن بزرگ شده اند. مهارت های برخی از کودکان به خوبی با نیازمندی های سخن گفتن در مدرسه تناسب دارد در حالی که کودکان دیگر اینگونه نیستند (قاضی، ۱۳۹۳).

انشا از جمله انواع نوشتن محسوب می شود و آخرین و پیچیده ترین مرحله زبان آموزی به شمار می رود تا زمانی که پیش نیازهای نوشتن تحقق نیافته امر نوشتن بخصوص انشاءنویسی هم میسر نخواهد شد. رونویسی و مشق نویسی های خسته کننده در دوره ابتدایی یکی از علل بارز افت تحصیلی می باشد که دانش آموزان را نسبت به تحصیل و ادامه آن بی میل می کند و هر گونه ابداع و ابتکار را از یادگیرنده سلب می کند و فرصت های گرانبهای نونهالان دوره ابتدایی را برای بارور شدن از بین می برد. موضوعی به دانش آموزان ارائه می شود و هر کدام از بچه ها به نوبت در مورد آن فرضی می زنند (البته چند دقیقه فرصت فکر کردن به بچه ها می دهیم) معلم مطالب بچه ها را روی تابلو می نویسد و به کمک بچه ها جملات روی تابلو را پس و پیش می کند تا به صورت یک انشای کامل درآید. معلم قصه یا انشایی ناتمام را در اختیار شاگردان قرار می دهد تا آن ها یا بصورت انفرادی یا بصورت گروهی و با هم فکری آن این انشاء را تمام کنند اگر کار بصورت گروهی اجرا شود گروه های ۲ یا ۳ نفره مناسب هستند و بهتر است برای خوب ترین انشاء یا داستان نمره ای در نظر گرفته شود. معلم قصه یا انشایی را که ترتیب حوادث آن به هم ریخته است در اختیار دانش آموزان قرار می دهد بچه ها توالی جملات و حوادث را درست می کنند و با شماره گذاری و رونویسی مجدد آن را بصورت یک انشاء یا داستان در می آورند. برای پرورش خلاقیت آنها می توان انتخاب نام قصه را بر عهده خود آنها گذاشت (یعقوبی مجد، ۱۳۹۱).

^۱- <http://www.afde.blogfa.com/post-38.aspx>

اگر دست خط دانش آموزی فوق العاده بد است، پیشنهاد یک ارزیابی اختلال در یادگیری را بدهید. کودکی با مشکل نوشتارپیشی حروف را با اندازه و شکل های نامتعارف می نویسد، واژه ها یا حروف را نیمه کاره رها می کند، و مدادش را به شکل نامناسبی به دست می گیرد. او را به بخش آموزش استثنایی مدرسه ارجاع دهید یا از والدین کودک بخواهید با یک درمانگر حرفه ای، متخصص اعصاب و روان، یا متخصص اعصاب اطفال مشاوری کنند. به دانش آموزان نشان دهید چگونه افکارشان را پیش از نوشتن به صورت نقشه سازمان دهند. در یک «نقشه ی ذهنی»، یک تصویر یا لغت که نماینده ی ایده ی اصلی است، درون یک دایره در وسط صفحه قرار می گیرد. ایده های مرتبط بر روی خط هایی که از ایده ی اصلی منشعب می شوند، قرار می گیرند. راه کار «پرسش از خود» را در هنگام نوشتن، آموزش دهید. تا دانش آموز بتواند بر روی مسائلی مثل اینکه در حال نوشتن برای چه کسی است، سعی دارد چه بگوید، و آیا افکارش را واضح بیان کرده است یا نه، تمرکز نماید (قاضی، ۱۳۹۳).

۷. پرورش استعداد فردی

از دیدگاه مارسیا (۱۹۶۶) افراد دارای هویت مؤفق، کسانی هستند که راههای مختلف را بررسی کرده و سرانجام در مورد مسیر و راه مناسب و درست شخصاً تصمیم گیری می کنند. همچنانکه در حوزه باورها و نگرش ها نیز، آنان اعتقادات گذشته خود را مورد بررسی و بازبینی قرار داده و از این رهگذر به گونه ای ثبات عقیدتی دست می یابند (امینی و همکاران، ۱۳۹۳). اما واژه هویت به مفهوم امروزی آن برای اولین بار توسط فروید به صورت کاملاً تصادفی مورد استفاده قرار گرفته و آن را با معنای ضمنی روانی و اجتماعی آمیخته کرده است. در واقع، از نظر فروید، هویت به ارزش های منحصر به فردی اشاره می کند که با عنایت و اتکاء به گذشته ویژه و منحصر به فرد شخص پدید می آید (محسنی، ۱۳۷۵).

هر کدام از رفتارهای شخصیتی مانند دست دادن، چشم های تان و دست خط تان نشان دهنده شخصیت شماست. شما می توانید شخصیت طرف مقابل تان را با توجه به رفتارهای او بشناسید. همه ما می دانیم که نباید دیگران را از روی ظاهر قضاوت کرد، اما حقیقت کمی متفاوت است. درست از همان زمانی که با شخص دیگری آشنا می شویم، آن فرد ما را از روی چند مورد قضاوت می کند. البته این قضیه فقط در مورد دیگران نیست، ما هم زمانی که با شخصی دیگر آشنا می شویم چنین قضاوت هایی را انجام می دهیم. درست است که شما در شناسایی افراد دیگر دنبال ویژگی های مثبت اخلاقی چون صداقت، مهربانی و هوش هستید، اما موارد ریز نیز بی تاثیر نیست. برخی از اعمال عصبی تکرار شونده می تواند حاوی اطلاعات مهمی از شخصیت شخص باشد. اگر اتفاقی بیفتد که شما را به اندیشیدن وادار کند، بدن شما به چگونه پاسخ خواهد داد؟ آیا مدام موهای سر یا دستتان را می کشید و یا ناخن هایتان را می جوید؟ برخی از افراد خود را نیشگون می گیرند، شما از این دسته هستید؟ اینکه زود یا دیر سر قرار حاضر می شوید از اهمیت زیادی برخوردار است. هر دو حالت اطلاعات مثبت و منفی فراوانی را از شخصیت شما در اختیار طرف مقابل می گذارد. البته حدس زدن تاثیر هر یک از حالات کار دشواری نیست: اگر زود سر قرار حاضر شوید بدان معنا است که نسبت به وقت دیگران اهمیت قائلید و در غیر این صورت، تاثیر منفی از خود به جای خواهید گذاشت. نحوه دست دادن تان نشان دهنده شخصیت شماست از نظر روانشناسی، کسانی که محکم دست می دهند اعتماد به نفس و شخصیت استواری را از خود نمایش می گذارند. این دسته از افراد شخصیتی برونگرا داشته که تمایل دارند راجع به احساسات خود با دیگران صحبت کنند.^۲

قوه تخیل ذهن بچه ها را باز می کند. قوه تخیل فعال به کودک پیش دبستانی شما کمک می کند تا بازی های تخیلی، باعث می شود که حس همدلی آن ها نسبت به دیگران شکوفا شود. نخستین دنیایی که کودکان ما با آن آشنا می شوند محیط خانواده است. آنها از ما و از خلال هزاران لحظه ظاهراً کوچک و کم اهمیت زندگی خانوادگی می آموزند که چگونه رفتار کنند، برای چه چیزی ارزش قائل شوند و از زندگی چه انتظاراتی داشته باشند. کودکان ما اغلب بعضی از مهمترین پیامها را درباره ارزشها و اعتقادات ما زمانی برداشت می کنند که ما به هیچوجه متوجه آنها نیستیم. این دنیای اولیه فرزندان ما تا چه حد دوستانه است؟ آیا میان ما احترام متقابل وجود دارد؟ آیا آنها را همانطور که هستند قبول داریم یا می خواهیم از آنها چیزی بسازیم که خود دوست داریم؟ آیا حرف و عمل آنها را تا

¹- Freud

¹- <http://namnak.com/p21762>

زمانی که خلاف آن ثابت نشده می‌پذیریم؟ آیا به قصد و نیت آنها اعتماد می‌کنیم؟ آیا برای همراهی آنها در علائق جدیدشان مشتاق و کنجکاو هستیم؟ چند پیشنهاد ساده برای پر بار کردن اوقات بیکاری کودکان:

□ - می‌توانید با کاشت دانه‌ها و بذرهایی که به آسانی رشد می‌کنند، ضمن سرگرم ساختن کودکان خود، چیزهای بسیاری درباره زندگی گیاهان و غذاهایی که مصرف می‌کنند به آنان بیاموزید.

□ - کودک خود را به گردآوری بروشور، کارت پستال و دفترچه‌های اطلاعاتی مکان‌هایی که در طول تابستان به آنجا می‌روید، تشویق کنید و از آنها بخواهید، شرحی در مورد هر یک بنویسند و سفرنامه‌ای در مورد گشت و گذارهای تابستانی خود و خانواده، تهیه کنند.

□ - کودکان می‌توانند با وسایل ساده‌ای که در اختیار دارند، عروسک‌های نمایشی تهیه کنند. سپس داستانی در مورد عروسک خود تهیه کرده و برای سایر اعضای خانواده یا دوستان خود نمایش دهند.

□ - کودکان و نوجوانان انرژی فراوانی دارند، از کودکان خود بخواهید در طول تعطیلات تابستان کارهای مفیدی مانند، شستن ماشین، رنگ کردن نرده یا وسائل خانه، چیدن میز یا تمیز کردن قفسه‌ها را برعهده گرفته و انرژی خود را صرف این قبیل کارها کنند.

۸. نتیجه‌گیری

فعالیت‌های فوق برنامه مجموعه فعالیت‌های سازمان یافته و پیش‌بینی شده‌ای است که به منظور تثبیت، تعمیق، آشنایی و کارکرد عملی در طول سال تحصیلی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود تا به رشد و تعالی، شکوفایی استعدادها و مشارکت در برنامه‌های عملی کمک کند. این برنامه‌ها در توسعه‌ی تجربیات تربیتی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد (فراگیری مهارت‌های زندگی و حل مسئله)، در عرض برنامه‌ی درسی قرار گرفته است، نیازهای فردی دانش‌آموزان و ویژگی‌های محلی و منطقه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد و بالاخره موجب غنای برنامه‌ی درسی می‌شود. فعالیت‌های فوق برنامه را می‌توان کلیه اعمالی دانست که در برنامه درسی روزانه برای آن ساعات به خصوص پیش‌بینی نشده و هدف آن شناسایی و پرورش استعدادهای نهفته دانش‌آموزان است (خان بابائی، ۱۳۷۴؛ به نقل از پورشیخ، ۱۳۹۳). لازمه‌ی برنامه ریزی برای فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه و اجرای آنها در مدارس، انتخاب روش‌های یادگیری فعالی است که مشارکت دانش‌آموزان را به دنبال داشته باشد. در رویکردهای سنتی و معمول آموزش، معلم در نقش فعال و دانش‌آموزان در نقش مخازن اطلاعات به وظایف محوله‌ی خود عمل می‌کردند. در نهایت، یادگیری دانش‌آموزان نتیجه محور بود و به سطوح پایین شناختی محدود می‌شد. پژوهش‌های اندک انجام گرفته در مورد عوامل موثر بر پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی نیز نشان می‌دهد که عواملی مانند: عدم به کارگیری الگوها و روش‌های مناسب تدریس، روش‌های نادرست ارزشیابی، انفعالی بودن دانش‌آموزان، دیکته شدن محتوای آموزشی در قالب کتاب‌های درسی و عدم ارتباط عمیق بین خانه و مدرسه، در پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی موثر بوده‌اند (میرجوادی کرمانی، ۱۳۸۱؛ به نقل از پورشیخ، ۱۳۹۳). کارکردهای مهم فعالیت‌های فوق برنامه را می‌توان در چنین مواردی بیان کرد: الف) فراگیر حداکثر بهره را گرفته، با آزاد اندیشی تفکر واگرا مسائل را بررسی می‌کند و به راه‌حل‌های نو دست می‌یابد. ب) بدون این که فراگیر تکلیف و اجباری احساس کند، با علاقه و انگیزه شخصی مسلماً تلاش وی مطلوب و خوشایند خواهد بود. ج) تأثیر مهارت‌های حسی و حرکتی بر فعالیت‌های ذهنی و عاطفی به گونه‌ای است که بسیاری از روانشناسان عقیده دارند که این قبیل فعالیت‌ها می‌بایست در درجه اول برنامه‌های آموزشی قرار داده شود. د) برای اصلاح بسیاری از اختلالات رفتاری نظیر پرخاشگری، افسردگی، کم‌رویی، اضطراب، مفید شناخته شده است.

²- <http://psychologic.persianblog.ir/post/68>

²- <http://www.hasanvali.blogfa.com/post-56.aspx>

مراجع

- ۱- امینی، محمد؛ یزدخواستی، علی؛ جعفری هرنندی، رضا؛ نصیری، لیلا (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل وضعیت هویتی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان، چاپ نشده.
- ۲- محسنی، نیک چهره (۱۳۷۵). درک خود از کودکی تا بزرگسالی. تهران. انتشارات بعثت.
- ۳- کدیور، پروین (۱۳۸۱)، روان‌شناسی تربیت، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- سیف، علی‌اکبر، (۱۳۵۵)، روان‌شناسی پرورشی، یادگیری و آموزش، تهران، انتشارات آگاه.
- ۵- شیرکرمی، جواد؛ شریفی، مینو؛ قنبری، فرزاد (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت فراگیران در عصر جدید (آسیب‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران. قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، ۱۴ مرداد ۱۳۹۵.
- ۶- قاضی، سجاد (۱۳۹۳). آموزش سخن گفتن به کودکان، بر گرفته از <http://sajjadghazi.persianblog.ir/tag>
- ۷- (۱۳۹۰). یادگیری مبتنی بر بازی، بر گرفته <http://aak1388.blogfa.com/9010.aspx>
- ۸- دیناروند، جعفر (۱۳۹۱). دوره ابتدایی (مقدمه و محتوا)، بر گرفته از <http://educationph.blogfa.com/tag>
- ۹- باقرزاده، پریسا (۱۳۹۴). اهمیت تفکر و پژوهش، بر گرفته از <http://parisabagherzadeh.blogfa.com/post/23>
- ۱۰- (۱۳۸۹). انشاء چیست؟، بر گرفته از <http://www.afde.blogfa.com/post-38.aspx>
- ۱۱- یعقوبی مجد، الهام (۱۳۹۱). آموزش انشاء در دوره ابتدایی، بر گرفته از <http://elhamyaghobi.blogfa.com/post/11>
- ۱۲- (۱۳۹۴). شخصیت‌شناسی از روی رفتار، بر گرفته از <http://namnak.com/p21762>
- ۱۳- (۱۳۹۴). فواید تخیل برای کودکان، بر گرفته از <http://psychologic.persianblog.ir/post/68>
- ۱۴- (۱۳۹۱). نقش فعالیت‌های مکمل و فوق برنامه در فرآیند یادگیری، بر گرفته از <http://www.hasanvali.blogfa.com/post-56.aspx>
- ۱۵- (۱۳۹۳). نگرش تربیتی به مهارت‌های اقتصادی، بر گرفته از <http://www.taamolnews.ir/fa/news/84761>
- ۱۶- (۱۳۹۳). آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان بر اساس سند برنامه درسی، بر گرفته از <http://mehrkhane.com/fa/news/13363>
- ۱۷- پورشیخ، رضا (۱۳۹۳). تکالیف خلاقانه و فعالیت مکمل آموزشی، بر گرفته از http://rezap502.epage.ir/fa/module.content_Page.92.html
- ۱۸- (۱۳۹۱). نقش شوراهای دانش آموزی در امور مدارس؛ همه چیز روی کاغذ، بر گرفته از <http://www.mehrnews.com/news/1731919>
- ۱۹- آتش دامن، غلامرضا (۱۳۸۸). مسئولیت‌پذیری در دانش آموزان دوره ابتدایی، روزنامه اطلاعات (۱۹ مرداد)، بر گرفته از http://www.aftabir.com/articles/view/c3c1249935903_student_p1.php
- ۲۰- سلیمانیان، مرجان (۱۳۹۵). دانش آموز مسئولیت‌پذیر، بر گرفته از سایت تبیان به نشانی <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=334565>